



■ هیات ایرانی در حال مذاکره با پاسکویچ، فرمانده نیروهای روسیه تزاری

درباره دور دوم جنگ‌های ایران و روس که به **قرارداد ترکمنچای** انجامید

خسارت محض یا شاهکار دیپلماسی



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

از گلستان و ترکمنچای به‌عنوان عهدنامه‌های ننگین که نتیجه بی‌کفایتی شاهان دوره قاجار بود یاد می‌شود اما واقعیت ماجرا پیچیده‌تر از آن است که بتوان به عملکرد فتحعلیشاه قاجار نسبت داد. اما قرارداد گلستان تفاوتی اساسی با قرارداد ترکمنچای داشت: آن هم جبران بخشی از شکست در عرصه نظامی و در عرصه دیپلماسی در قرارداد ترکمنچای بود. در حالی که طی قرارداد گلستان چهارده ولایت ایرانی به روسیه تزاری واگذار شد در قرارداد ترکمنچای با جبران بخشی از شکست در عرصه نظامی در حالی که تبریز نیز و بخش‌های دیگری از آذربایجان در اشغال روسیه تزاری بود دستگاه دیپلماسی ایران موفق شد تنها با واگذاری سه ولایت ایروان، نخجوان و بخشی از تالش، قوای روسیه تزاری را به پایان اشغال آذربایجان و به رسمیت شناختن حدود مرزی ایران قانع کند و از تهدید بیشتر استقلال و تمامیت ارضی ایران اجتناب کند. آنچه که این دو قرارداد و جدایی هفده شهر قفقاز را از ایران رقم زد با ضعف و سقوط خاندان صفوی در ایران و قدرت‌یابی رومانوف‌ها در روسیه تزاری آغاز شد. هر چه تزارهای روسیه راه نوگرایی و بهره‌گیری از دانش و فن‌آوری‌های جدید اروپایی را در پیش گرفتند و ارتش و نظام حکومتی خود را براساس شیوه اروپایی مدرن کردند، ایران در نتیجه‌ی سقوط دولت صفوی در آشوب فرو رفت و تلاش نادرشاه افشار برای بازسازی نظامی اقتدار از دست‌رفته پس از او به فراموشی سپرده شد و کریم‌خان زند نیز تنها توانست جنوب و مرکز ایران را نظمی ببخشد اما آنچه که ایران را ضعیف کرده بود جدا افتادن از تجارت جهانی و ضعف اقتصادی بود. تحولات جهانی به زیان ایران در جریان بود و ایرانیان ناآگاه از آنچه در حال رخ دادن بود همچنان تصور می‌کردند مهمترین قدرت جهانی هستند. ظهور امپراطوری عثمانی و تسلط بر راه‌های دریایی و زمینی مسیر اروپا به شرق را مسدود کرد و اروپایی‌ها را وادار کرد تا دل به دریا بزنند. سد عثمانی موجب شد تا ایران نیز از مسیر تاریخی تجارت شرق به اروپا حذف شود و اروپایی‌ها با اکتشاف در دریاها مسیرهای جدیدی را گشودند و با دور زدن قاره آفریقا از اهمیت ایران در این مسیر کاسته شد و با کشف آفریقا و مستعمره شدن هند ثروت‌های جهانی به اروپا سرازیر شد و انباشت ثروت به رشد علم و فناوری کمک کرد و سلاح‌های آتشین و شناخت جهان و مدرنیزاسیون نیروهای سیاسی و نظامی راه تسلط قدرت‌های

قرارداد گلستان تفاوتی اساسی با قرارداد ترکمنچای داشت: آن هم جبران بخشی از شکست در عرصه نظامی و در عرصه دیپلماسی در قرارداد ترکمنچای بود. در حالی که طی قرارداد گلستان چهارده ولایت ایرانی به روسیه تزاری واگذار شد در قرارداد ترکمنچای با جبران بخشی از شکست در عرصه نظامی در حالی که تبریز نیز و بخش‌های دیگری از آذربایجان در اشغال روسیه تزاری بود دستگاه دیپلماسی ایران موفق شد تنها با واگذاری سه ولایت ایروان، نخجوان و بخشی از تالش، قوای روسیه تزاری را به پایان اشغال آذربایجان و به رسمیت شناختن حدود مرزی ایران قانع کند و از تهدید بیشتر استقلال و تمامیت ارضی ایران اجتناب کند.

.....

اروپایی بر جهان را باز کرد و در همین مسیر بود که جنگ‌های ایران و روسیه از ۱۶۵۱ یعنی زمان سلطنت شاه عباس دوم صفوی آغاز شد و تا زمان حکومت فتحعلیشاه قاجار در سال ۱۸۲۸ ادامه یافت و به قراردادهای گلستان و ترکمنچای منتهی شد. در حالی که نادرشاه افشار و در پی او کریم‌خان زند و در نهایت آقامحمدخان قاجار تمامی تلاش خود را برای احیای مرزهای تاریخی ایران صرف کردند اما فراتر از مرزهای ایران تحولات اروپا بود که سرنوشت مرزهای ایران را رقم می‌زد. روسیه تزاری به عنوان قدرتی نوظهور محصور در خشکی درصدد بود بتواند از حصار خود بیرون آمده و قدرت خود را افزون‌تر کند. نخستین تلاش‌های روسیه برای پیشروی در قفقاز در دوره پترکبیر و کاترین با ایستادگی نادرشاه افشار و آقامحمدخان قاجار روبه‌رو شد. هر چند مرگ پتر تزار روسیه در ۱۷۲۵ میلادی و مرگ کاترین تزاریس روسیه در ۱۷۹۶ عامل اصلی عقب‌نشینی‌های روسیه بود و نمی‌توان با اطمینان گفت که اگر مرگ گریبان این دو رهبر قدرتمند روسیه تزاری را نمی‌گرفت رویاروی آنها با نادرشاه و آقامحمدخان قاجار چه نتیجه‌ای را در پی داشت؟ اما فتحعلیشاه قاجار و فرزندش نایب‌السلطنه عباس‌میرزا از این بخت و اقبال برخوردار نبودند که روس‌ها از ادامه پیشروی خود در قفقاز عقب بنشینند. موج نخست جنگ‌های ایران و روسیه تزاری در دروه قاجار بر سر گر جستان و اختلافات خاندان حاکم در این ولایت ایران آغاز شد. در دوره اشفنگی درونی ایران و پیش از برآمدن آقامحمدخان قاجار حاکم گر جستان اراکلی خان به‌خاطر هم‌کشی با روس‌ها از روسیه تزاری اعلام تبعیت کرد و این امر سرآغاز جنگ‌های ایران در قفقاز شد که پای روسیه را به قفقاز دوره قاجاری باز کرد. روسیه به بهانه حمایت از هم‌کیشان گرجی و سپس مقابله با آشوب‌گری آشراک لژی وارد قفقاز شد و به سرعت اهداف توسعه‌طلبانه خود را در پیش گرفت. دور نخست جنگ‌های ایران و روسیه با وجود تلاش‌ها و پیروزی‌های مقطعی عباس‌میرزا به شکست انجامید و با دخالت دیپلماتیک بریتانیا و تحمیل صلح‌نامه گلستان به پایان رسید. ایران در این مقطع به دلیل ناآشنایی با تحولات جهانی ابتدار در عهدنامه‌فین کنشتاین با فرانسه متحد شد که با برقراری پیمان تیلسیت میان روسیه و فرانسه منتهی شد و دوباره مجبور شد به بریتانیا پناه ببرد که لندن نیز منافع خود را برای تقویت روسیه‌مقابل ناپلئون به تقویت ایران قاجاری ترجیح داد. روسیه در این برهه هم‌زمان با ایران در حال جنگ با فرانسه به همراهی پروس و اسپانیا و دوک‌نشین ورشو بود و از چنان قدرت نظامی برخوردار شده بود که توانست فاتح اروپا را نیز شکست دهد و در این میان شکست سپاه ایلباتی و آموزش‌ندیده قاجار برای ارتش تزاری امری سهل بود؛ حال آنکه ایرانیان در این نبردها

از جمله جنگ سلطان‌آباد به پیروزی‌هایی هم دست یافتند. دور نخست جنگ‌های ایران و روسیه از سال ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۳ به طول انجامید و با صلح‌نامه گلستان به اتمام رسید و ایالت گنجه و قره‌باغ، ولایت‌های شکی، شیروان، قبه، دربند، باکو، داغستان و گر جستان، محال شوره‌گل، آچوق‌باشی، گروزیه، منگریل و ابخاز به همراه بخشی از خانات تالش و سواحل ارزنشند دریای خزر از دست ایران خارج شد.

▼ غم شکست و قمار عباس‌میرزا

ایرانیان که برای قرن‌های متمادی در دوران وجود دولت مرکزی، غم چنین شکستی، آن هم مقابل دولتی مسیحی را نچشیده بودند حاضر به پذیرش صلح‌نامه گلستان به عنوان پایان محتوم این جنگ‌ها نبودند. در واقع طی قرون متمادی جنگ‌ها در قلمرو ایران تاریخی جنگ میان ایالات و قدرت‌های درونی برای کسب قدرت بود و هیچ‌یک از مدعیان و طرفین جنگ‌ها اجنبی و بیگانه محسوب نمی‌شدند. از محمودافغان تا نادرقلی و از محمدحسن خان قاجار تا کریم‌خان زند تا شاهرخ شاه افشار همگی اتباع ایران و مدعی تاج و تخت بودند و دست به دست شدن قلمروها هرگز تسلط اجنبی بر بخشی از ایران محسوب نمی‌شد. اما با قرارداد گلستان بخشی از اتباع مسلمان و شیعه ایران به زیر سلطه اجنبی نصاری درآمد و از سوی دیگر در عهدنامه گلستان حدود مرزی به درستی تعیین نشده بود و این امر درگیری‌هایی را بین طرفین ایجاد کرد. امیدواری برای بازپس‌گیری بخش‌هایی از قلمرو از دست‌رفته به حدی بود که عباس‌میرزا دست به نامه‌نگاری‌هایی با طرف روس زد؛ به این امید که بتواند آنان را به عقب‌نشینی و استرداد در برخی حدود اقناع کند. عباس‌میرزا امیدوار بود بدون ورود در جنگی تمام‌عیار با یک ضربه ناگهانی موقعیت برتری در مقابل روس‌ها پیدا کرده و آنان را وادار به بازنگری در صلح‌نامه گلستان کند. در این جنگ‌ها، فتحعلیشاه قاجار برای دفاع از کشور و مقابله با روس‌ها به مراجع و علما متوسل شد و از آنان خواست با توجه به نیاز کشور به نیروهای مردمی و پشتیبانی بیشتر از جبهه‌های جنگ، رسایل و فتاوایی برای مقابله با روس‌ها بنویسند که به رساله‌های جهادیه مشهور شد. اقدام ایران برای آمادگی نظامی تا ۱۸۲۶ به طول انجامید و عباس‌میرزا در این مدت با جدیت به اداره امور قشون و تجهیز آن مشغول بود و با آغاز دور دوم سپاه ایران به سرعت توانست در خان‌نشین‌های قفقاز پیش برود و با بازپس‌گیری گنجه تا حدود گر جستان پیشروی کند. عباس‌میرزا قره‌باغ و تالش را آزاد کرده و شوشی، مرکز قره‌باغ را محاصره کرد، لنکران و گنجه تخلیه شدند و باکو به محاصره درآمد. آزادسازی دژ شوشی که محکم‌ترین قلعه

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

RS

گردش به راست اروپا در قبال ایران؟

در حالی که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب ایران در حال ارسال پیام‌هایی در مورد آمادگی خود برای تعامل مجدد با غرب است، به نظر می‌رسد پارلمان تازه اروپا در حال حرکت در مسیری جنگ‌طلبانه است. این را می‌توان از انتصاب هانا نیومن، قانونگذار حزب سبز آلمان به‌عنوان ریاست هیئت پارلمان اروپا در باره ایران نتیجه گرفت. براساس قوانین پارلمان اروپا، وظیفه هیئت‌های بین پارلمانی حفظ و تعمیق روابط با پارلمان‌های کشورهای غیر اتحادیه اروپاست. هیئت‌های نمایندگی تأثیرگذارترین نهادها در اتحادیه اروپا نیستند، اما می‌توانند کانال ارتباطی ارزشمندی با کشورهای ثالث ارائه دهند؛ به‌ویژه در مواردی که روابط رسمی تیره است. مانند مورد ایران. یا در عوض، آنها می‌توانند به انجمنی برای ابزار نا رضایتی‌ها از آن کشورها تبدیل شوند، بنابراین به شکل‌گیری روایت‌های منفی و ایجاد فضای سیاسی مضر برای دیپلماسی مولد کمک می‌کنند. نیومن در پرونده ایران تازه کار نیست. باید دید او چگونه به موقعیت جدید خود نزدیک می‌شود، اما اگر فعالیت‌های گذشته او را نشانه‌ای در نظر بگیریم، باید منتظر موضع‌گیری نسبتاً تقابلی او باشیم. نیومن یکی از اعضای سبزهای آلمان، همان حزبی که آتالنا بائر بوک، وزیر امور خارجه آلمان به آن تعلق دارد، در انتقادات خود از دولت ایران صریح بوده است. او به‌طور مداوم برای گنجاندن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تروریستی اتحادیه اروپا فعالیت می‌کرد؛ اقدامی که جوزپ بورل، نماینده اتحادیه اروپا در سیاست خارجی به دلایل قانونی با آن مخالفت کرد. از نظر سیاسی، قرار دادن یک نیروی امنیتی رسمی ایران در لیست سیاه احتمالاً مشکلات بیشتری را در روابط اتحادیه اروپا با تهران ایجاد خواهد کرد. هنگامی که جانشین بورل، یعنی نخست‌وزیر سابق استونی، کاجا کالاس، به این سمت انتخاب شد، نیومن از او خواست که این گام را بردارد. در یکی از مداخله‌های شدید در سیاست اتحادیه در قبال ایران، نیومن سال گذشته تعامل دیپلماتیک بورل با تهران را تحقیر کرد و از او خواست تا «تثبیت رژیم وحشیانه را متوقف کند، در حالی که مردم ایران آماده هستند تا برای سقوط آن جان بدهند». در مناظره‌ای در ماه آوریل، پس از تبادل حملات بین اسرائیل و ایران، او از نیاز به ایجاد یک ساختار امنیتی منطقه‌ای برای توقف چرخه تشدید تنش صحبت کرد، اما به نظر می‌رسید بیشتر ایران و متحانش را برای تشدید تنش مقصر می‌داند. او حمله ایران به اسرائیل را محکوم کرد اما اشاره‌ای به حمله مرگبار اسرائیل به ساختمان دیپلماتیک تهران در دمشق نکرد که در وهله اول واکنش تلافی‌جویانه ایران را برانگیخت. نیومن البته مواضع ضد و نقیض هم داشته است. برای مثال در سال ۲۰۲۱، پارلمان اروپا قطعنامه‌ای را تصویب کرد که نقض حقوق بشر در امارات متحده عربی را محکوم می‌کرد و شامل بندی بود که از اتحادیه اروپا می‌خواست اکسپو ۲۰۲۰ در دبی را تحریم کند. با این وجود، نیومن در تضاد آشکار با موضع پارلمان اروپا که اکثراً توسط جناح سیاسی خودش حمایت می‌شد، از نمایشگاه بازدید کرد. نیومن کار با کشورهای عربی خلیج فارس را با راه رفتن بر روی یک طناب دیپلماتیک مقایسه کرد و پیشنهاد کرد که نگرانی‌های حقوق بشر با سایر منافع، مانند تغییرات اقلیم، حقوق زنان، همکاری اقتصادی و غیره ترکیب نشود. این رویکرد معقول است. با این حال، به نظر نمی‌رسد که او آماده پذیرش همان رویچه در برخورد با ایران باشد. در واقع، او از انتصاب خود به‌عنوان رئیس هیئت ایران با تمرکز بر «مبارزه برای یک ایران دموکراتیک و آزاد» استقبال کرد. این هیئت، احتمالاً در تهران برای دیدار با همتایان خود در مجلس ایران، که یکی از نهادهای اصلی تأثیرگذار بر برجام است، استقبال نخواهد کرد. در گذشته، چنین بازدیدهایی با قاعده خاصی انجام می‌شد و این امر مانع از بیان نظرات قوی در مورد حقوق بشر و سایر جنبه‌های سیاست‌های ایران توسط نمایندگان پارلمان اروپایی می‌شد. با این حال، به نظر می‌رسد که نیومن هرگونه مشروعیت پارلمان فعلی ایران را که در بهار امسال انتخاب شد، رد می‌کند. در حالی که دیدارهای متقابل به اعتمادسازی، درک بهتر دیدگاه‌های طرف مقابل - بدون لزوم موافقت با آن دیدگاه‌ها - و در نهایت گسترش فضای دیپلماسی کمک می‌کند. بر خلاف انتقادات نیومن و بسیاری دیگر از نمایندگان پارلمان اروپا از ارتباط دیپلماتیک با ایران، حقیقت این است که این ارتباط در ۴۵ سال گذشته، هرگز زیاد نبوده، بلکه بسیار کم بوده است. بستن یک کانال موجود، در زمانی که تهران انعطاف بیشتری نسبت به غرب، به‌ویژه اروپا نشان می‌دهد، عاقلانه نیست و می‌تواند ارتباط دیپلماتیک اتحادیه اروپا را کاهش دهد.